



استراتژیست موفق

1 • آموزش استراتژی معاملاتی

3 • الگوهای قیمتی ورود و خروج



سرفصل ۱: آموزش استراتژی معالاتی

در بازارهای مالی استراتژی به معنای این است که یک معامله‌گر سرمایه خود را چه زمانی وارد بازار کند و چه زمانی از بازار خارج نماید، که بتواند بالاترین سود را از بازار دریافت کند. استراتژی معالاتی مجموعه‌ای از قوانینی هستند که یک معامله‌گر در هنگام معامله در بازارهای مالی آنها را تعیین و الگوی کار خود قرار می‌دهد.

برای معامله‌گرها، استراتژی تنها راه حفظ سرمایه است. اگر استراتژی معالاتی وجود نداشته باشد به دلیل هیجانی بودن بازار، ممکن است تریدرها کل سرمایه خود را از دست بدهند.

به ازای هر فرد معامله‌گر یک استراتژی معالاتی ایجاد می‌شود. بنیاد کار یک معامله‌گر حرفه‌ای استراتژی معالاتی است که میبایست حتماً به استراتژی که خودش طراحی کرده پایبند و وفادار باقی بماند.

استراتژی معالاتی چیست؟

به مجموعه فعالیت‌هایی که با فکر و تحلیل، تدوین شده و وضعیت معالاتی شما در آینده را مشخص می‌کنند استراتژی معالاتی گفته می‌شود.

موفقیت و یا عدم موفقیت یک معامله‌گر به طراحی استراتژی و پایبندی به تعهدی که به استراتژی معالاتی خود دارد وابسته است. اگر شما استراتژی قابل قبولی را طراحی کنید، مدیریت سرمایه و ریسک برای شما آسان خواهد شد و برای هر اتفاقی در بازار آماده خواهید بود.

یک استراتژی خوب باید ساده و اجرایی باشد و گزینه‌های زیادی نداشته باشد تا تمرکز و ارزیابی بر روی آن آسان باشد.

اهمیت دفترچه یادداشت معالاتی

اختصاص دادن یک دفترچه برای یادداشت‌های معالاتی گام اول برای ایجاد یک استراتژی است، شما میبایست بعد از انجام هر معامله شروع به یادداشت پارامترهایی که در معاملاتتان موثر یا غیرموثر هستند نمایید. پس از گذشت چند ماه شما کتابی در دست دارید که پر از نکات معالاتی مختص شماست.

به نظر شما معامله‌گری برای همه یک گزینه موفقیت‌آمیز است؟

آیا همه افراد معاملات سودآور و موفق دارند؟

آیا همه افرادی که وارد بازارهای مالی می‌شوند به معامله‌گران حرفه‌ای تبدیل خواهند شد؟

خیر! اینگونه نیست و فقط کسانی موفق خواهند شد که به همراه یک پلن معالاتی شخصی یک استراتژی قوی داشته و نسبت به استراتژی و پلن معالاتی خود وفادار بمانند.

دو نکته مهم برای داشتن یک استراتژی معالاتی مستمر و موفق.

تعهد به استراتژی

در ابتدای اجرای استراتژی ممکن است به صورت مقطعی متضرر شوید اما با گذشت زمان به سود دهی مستمر دست خواهید یافت. اگر ماهیت بازار را درک کرده و با روانشناسی بازار آشنا باشید، خواهید دید با پایبندی و تعهد به استراتژی و کنترل هیجانات خود در زمان معامله در بازارهای مالی به سادگی به سود مستمر دست خواهید یافت.

سادگی استراتژی

در نظر داشته باشید شما به یک استراتژی ساده و قابل درک نیازمند هستید. اگر استراتژی شما پیچیده و پر از پارامترهای سخت و غیرقابل اجرا باشد، قطعاً در اجرای آن دچار مشکل خواهید شد. باید از اطلاعات درست، تحلیل‌های صحیح و پارامترهای قابل اجرا و راحت استفاده نمایید. درحقیقت در ابتدا از یک استراتژی ساده شروع کنید و پله پله آن را ارتقاء داده و به صورت حرفه‌ای پیش ببرید.

در اینجا چند پیشنهاد برای طراحی یک استراتژی معاملاتی کاربردی را به شما عزیزان پیشنهاد می‌کنیم.

قدم اول: ابتدا بررسی نمایید آیا معامله‌گری برای شما جذابیت لازم را دارد؟

در ابتدا با خودتان رو راست باشید علاقه خود به این شغل را بررسی کنید و اگر انگیزه لازم برای ورود به دنیای معامله‌گری را ندارید و صرفاً به خاطر تقلید از دیگران می‌خواهید وارد این بازی خطرناک شوید به شما توصیه می‌کنیم قبل از ورود به این دنیای بزرگ آموزش‌های لازم را کسب کنید و انگیزه لازم برای معامله‌گری را در خود پیدا و تقویت نمایید.

قدم دوم: چه نوع شخصیت معامله‌گری دارید را بررسی کنید

با توجه به شخصیت و روحیات خود و با توجه به بازاری که تصمیم دارید در آن معامله نمایید، سبک معاملاتی خود را انتخاب کنید.

قدم سوم: به پلن معاملاتی خود پایبند باشید

پایبند بودن به پلن معاملاتی خود از اهمیت ویژه‌ای در رسیدن شما به موفقیت برخوردار است.

قدم چهارم: بازه زمانی که بهترین بازدهی برای انجام یک معامله را دارید بررسی کنید

بهترین کار این است که یک تایم مشخص و ثابت برای معامله کردن خود تعیین کنید و با توجه به استراتژی معاملاتی که برای خود انتخاب کرده‌اید یک بازه زمانی تعیین کنید و وارد معاملات شوید.

قدم پنجم: مقدار سرمایه‌ای که می‌خواهید وارد بازار نمایید را تعیین کنید

با توجه به میزان حدسود و حدضرری که در استراتژی معاملاتی خود مشخص کرده‌اید میزان سرمایه‌ای که قصد دارید وارد بازار کنید را مشخص نمایید. بهتر است سرمایه را به صورت پله‌ای وارد کنید. اگر دارای شخصیت هیجانی و ریسک‌پذیری هستید بهتر است که با سرمایه کمتری وارد بازار شوید و مدیریت سرمایه را حتماً رعایت نمایید.

قدم ششم: با توجه به استراتژی معاملاتی خود نقاط ورود و خروج مناسب را پیدا کنید

یکی از موثرترین کارهایی که به شما کمک می‌کند که به یک معامله‌گر سودآور تبدیل شوید، انتخاب نقاط ورود و خروج خوب در بازار است.

قدم هفتم: حد سود و حد ضرر معاملات خود را مشخص کنید

مهمترین و اساسی‌ترین بخش یک استراتژی خوب تعیین حدسود و حدضرر است که براساس مدیریت سرمایه و استراتژی معاملاتی خود آن را تعیین می‌کنید.

قدم هشتم: جذاب بودن معامله‌ای که می‌خواهید انجام دهید را بررسی کنید

از خودتان بپرسید آیا مقدار سودی که از این معامله کسب می‌کنید برای شما لذت بخش است، آیا مقدار سودی که تعیین کرده‌اید برای شما رضایت بخش است یا نه. اینکار باعث میشود شما بتوانید مدیریت سرمایه خود را رعایت کنید.

قدم نهم: یک دفترچه یادداشت به معاملات خود اختصاص داده و تمام موارد فوق را یادداشت نمایید.

شما به یک دفترچه یادداشت شخصی نیاز دارید، که خودتان آن را طراحی کرده‌اید. این دفترچه بهترین کتاب آموزشی شما خواهد بود. باید همه نکات مهم و رفتارهایی که در حین انجام معاملات داشته‌اید را یادداشت نمایید. با انجام این کار شما تمام نقاط قوت و ضعف خود در معامله‌گری را پیدا و خواهید توانست آنها را حذف و یا تقویت نمایید.

سرفصل ۲:

الگوهای قیمتی ورود و خروج

اگر بخواهید به یک تحلیل‌گر حرفه‌ای در بازارهای مالی تبدیل شوید، باید بتوانید الگوهای قیمتی (Price Patterns) را تشخیص دهید. این الگوها به شما کمک می‌کنند نقاط ادامه روند یا برگشت را در تحلیل تکنیکال دقیق‌تر شناسایی نمایید. به صورت کلی الگوهای قیمتی به ۴ گروه از جمله الگوهای کلاسیک، الگوی الیوت، الگوی هارمونیک و الگوهای شمعی ژاپنی تقسیم می‌شوند.

مقدمه‌ای بر الگوهای قیمتی در تحلیل تکنیکال

از الگوهای قیمتی می‌توان در جهت تایید روند جاری قیمت یا به عنوان هشدار مبنی بر تغییر روند از نزولی به صعودی یا بالعکس استفاده کرد.

مطابق تعریف، به یک پیکربندی قابل تشخیص از حرکت قیمت که با استفاده از یک سری خطوط روند و یا منحنی‌ها ایجاد می‌شود الگوی قیمتی می‌گویند.

هنگامی که یک الگوی قیمتی، سیگنالی مبنی بر تغییر جهت روند نشان بدهد، به عنوان الگوی برگشتی محسوب می‌شود.

از طرفی پس از یک الگوی ادامه‌دهنده، حرکت روند به جهت قبلی خود ادامه می‌دهد.

برخی از الگوهای ادامه‌دهنده، یک مکث کوتاه در میان روندها به حساب می‌آیند.

با استفاده از الگوهای قیمتی تحلیلگران تکنیکال به بررسی حرکات فعلی و پیش‌بینی حرکات آینده بازار می‌پردازند.

الگوهای کلاسیک تکنیکال

یکی از روش‌های پایه‌ای در تحلیل تکنیکال، استفاده از روش تحلیل کلاسیک است.

خطوط روند در تحلیل تکنیکال

از آنجاییکه الگوهای قیمتی توسط یک سری خطوط و یا منحنی‌ها شناسایی می‌شوند، درک خطوط روند و نحوه ترسیم آنها بسیار مهم است.

خطوط روند به شناسایی مناطق حمایت و مقاومت در نمودار قیمت به تحلیلگران تکنیکال کمک می‌کنند.

خطوط روند، خطوط مستقیمی هستند که با اتصال نقاط پرتراکم کف در روند صعودی (خط روند صعودی) و یا نقاط پرتراکم سقف در روند نزولی (خط روند نزولی) روی نمودار رسم می‌شوند.

نحوه ترسیم خطوط روند متفاوت است، برخی از انتهای سایه‌ی کندل‌ها (Shadow) رسم نموده و بعضی از انتهای بدنه‌ی کندل‌ها (Body) رسم می‌کنند.

تحلیل‌گران اغلب برای ترسیم خطوط روند در نمودارهای روزانه از قیمت‌های بسته شدن استفاده می‌کنند، نه از کف یا سقف، زیرا قیمت‌های بسته شدن نشان‌دهنده سرمایه‌گذاران و معامله‌گرانی است که مایل به حفظ موقعیت در بازار هستند.

انواع الگوهای قیمتی

در حالت کلی الگوهای قیمتی کلاسیک به دو دسته تقسیم می‌شوند.

۱- الگوهای ادامه دهنده:

الگوهای ادامه دهنده یک اصلاح یا مکث قیمتی است که در میانه روندها شکل می‌گیرد و پس از آن روند به حرکت قبلی خود ادامه می‌دهد.

۲- الگوهای برگشتی:

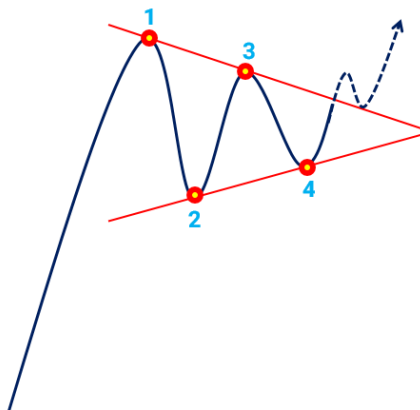
الگوهای برگشتی مشابه الگوهای ادامه دهنده اصلاح یا مکث قیمتی در میان روندها هستند با این تفاوت که با شکل‌گیری این الگوها، قیمت در جهت خلاف روند قبلی حرکت می‌کند.

الگوهای ادامه دهنده:

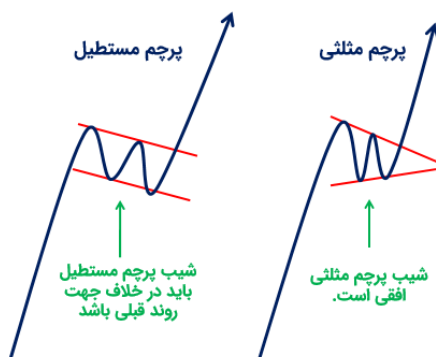
یک الگوی ادامه دهنده را می‌توان به عنوان یک مکث کوتاه در طول یک روند غالب در نظر گرفت، به اصطلاح زمانی که گاوها در طول یک روند صعودی نفس می‌گیرند، یا زمانی که خرس‌ها در طول یک روند نزولی برای لحظه‌ای استراحت می‌کنند. همزمان با تشکیل الگوهای قیمتی هیچ راهی برای تشخیص الگوی ادامه‌دهنده با الگوی برگشتی از قبل وجود ندارد. به این ترتیب، باید به خطوط روند مورد استفاده برای ترسیم الگوی قیمت توجه دقیقی داشت.

متداول‌ترین الگوهای ادامه دهنده:

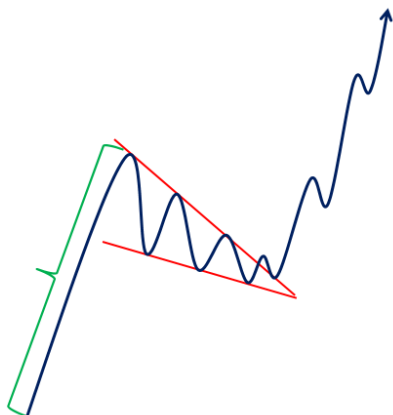
مثلث: مثلث با استفاده از دو خط روند همگرا ساخته شده‌اند.



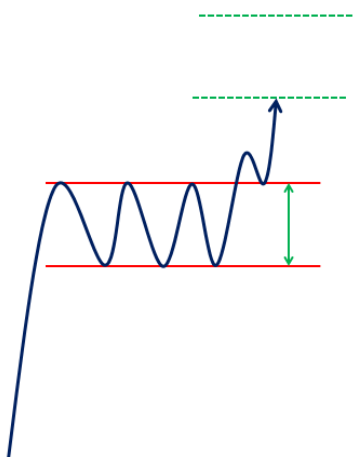
پرچم: پرچم‌ها با دو خط روند موازی یا همگرا ترسیم شده‌اند.



کنج: کنج‌هایی که با دو خط روند همگرا ساخته شده‌اند که هر دو به سمت بالا یا پایین زاویه دارند.



مستطیل: در حقیقت کانال افقی است که نشان دهنده یک بازار خنثی است.



الگوهای قیمتی برگشتی

این الگوها به این شکل است که نمودار قیمتی، در طول بازه زمانی، بعد از طی روند مشخصی متوقف و یا خنثی می‌شود و یا در جهتی مخالف روند قبلی خود، روند حرکتی جدیدی را در آغاز می‌کند. در الگوی بازگشتی امکان این وجود دارد که یک روند نزولی به روند صعودی قبلی و یا یک روند صعودی به یک روند نزولی تبدیل شود.

به واقع در الگوی بازگشتی، نقطه عطفی در نمودار به وجود می‌آید که روند بعدی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

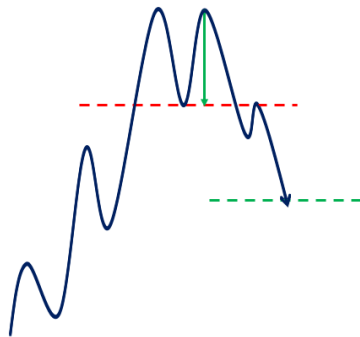
متداول ترین الگوهای برگشتی

در اینجا می‌خواهیم درباره رایج‌ترین الگوهای برگشتی توضیح دهیم.

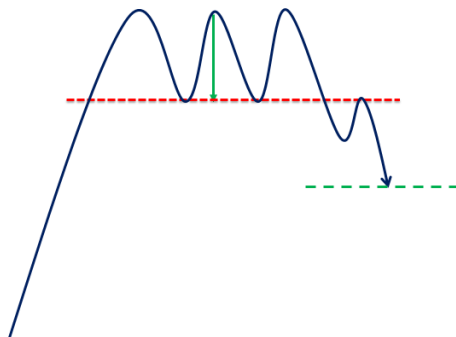
الگوی سر و شانه (Head & Shoulders)



دو قله (Double Tops & Bottoms)



سه قله (Triple Tops & Bottoms)



تئوری امواج الیوت و الگوهای قیمتی

نظریه‌ای بنام تئوری امواج الیوت در تحلیل تکنیکال وجود دارد که برای توصیف حرکت قیمتها در بازارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

این نظریه توسط رالف نلسون الیوت پس از مشاهده و شناسایی الگوهای موج فرکتال تکرار شونده شناسایی شد.

آشنایی با تئوری امواج الیوت

همراه با سایر اشکال تحلیل تکنیکال امواج الیوت را نیز می‌توان برای شناسایی فرصت‌های خاص مورد استفاده قرار داد. معامله‌گران در یک زمان معین ممکن است تفسیرهای مختلفی از ساختار موج الیوت بازارها داشته باشند.

امواج الیوت چگونه کار می‌کنند

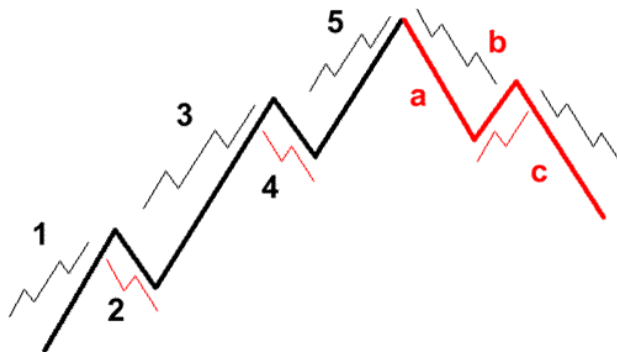
با استفاده از تئوری امواج الیوت، بعضی از تحلیلگران تکنیکال سعی می‌کنند از الگوهای موجی در بازار سودکسب کنند. حرکت قیمتها را می‌توان پیش‌بینی کرد زیرا آنها در تکرار الگوها ایجاد می‌شوند، توسط این فرضیه مطرح می‌شود.

این تئوری دو نوع مختلف از امواج را شناسایی می‌کند:

- امواج حرکتی

- امواج اصلاحی

با توجه به تئوری امواج الیوت، هر سیکل حرکتی شامل ۸ موج بوده که موج حرکتی شامل ۵ موج و موج اصلاحی هم شامل ۳ موج است.



الگوهای هارمونیک در بازارهای مالی

الگوهای قیمتی با فرم هندسی، الگوهای هارمونیک گفته می‌شوند که با استفاده از اعداد فیبوناچی برای تعیین نقاط چرخش دقیق قیمت در نمودارها مشخص می‌شوند.

برخلاف سایر روش‌های رایج معاملاتی، معاملات هارمونیک تلاش می‌کند تا حرکات آینده بازار را پیش‌بینی کنند.

از الگوهای معروف یا متداول این سبک، به گارتلی (Gartly)، پروانه (butterfly)، کوسه (shark)، خفاش (Bat) و خرچنگ (Crab) می‌توان اشاره نمود.

هندسه و اعداد فیبوناچی

الگوهای هارمونیک بر اساس این فرض است که رفتار قیمت بصورت یک فرم هندسی در قالب الگو و نسبت‌های فیبوناچی تکرار می‌شوند.

با مشاهده الگوهای هارمونیک با ابعاد و اشکال مختلف در نمودارها، معامله‌گران می‌توانند نسبت‌های فیبوناچی را روی الگوها اعمال و در مرحله بعد حرکات آتی بازار را پیش‌بینی کنند.

مسائل مربوط به هارمونیک

ممکن است معامله‌گر الگویی را ببیند که شبیه یک الگوی هارمونیک است، اما سطوح فیبوناچی آن را تایید نکنند، بنابراین الگو از نظر رویکرد هارمونیک، غیرقابل اعتماد خواهد بود.

این یک مزیت است، زیرا مستلزم آن است که معامله‌گر صبور و منتظر تنظیمات ایده‌آل بماند.

الگوهای هارمونیک هم می‌توانند مدت زمان حرکت قیمت را بسنجند و هم میتوان از آنها برای جداسازی نقاط معکوس استفاده کرد.

دقت کنید که این الگوها ممکن است در الگوهای دیگر هم وجود داشته باشند.

همچنین امکان دارد که الگوهای غیرهارمونیک هم در بافت الگوهای هارمونیک وجود داشته باشند.

اینها می‌توانند برای کمک به اثربخشی الگوی هارمونیک و افزایش عملکرد ورود و خروج استفاده شوند.

ممکن است چندین موج قیمت نیز در یک موج هارمونیک وجود داشته باشند.

بنابراین، بررسی نمودار قیمت در تایم فریم‌های بالاتر مهم بوده و ماهیت فراکتال بازارها اجازه می‌دهد که این نظریه در تایم فریم‌های متفاوت اعمال شود.

الگوهای کندلی یا شمعی ژاپنی

نمودارهای کندل استیک ابزاری تکنیکالی هستند که با توجه به ۴ قیمت اصلی، داده‌ها را در بازه‌های زمانی متعدد نمایش می‌دهند. قدمت نمودارهای شمعی ژاپنی به تاجران برنج ژاپنی در قرن هجدهم باز میگردد. نمودارهای شمعی ژاپنی نسبت به نمودارهای میله‌ای و خطی ساده‌تر و مفیدتر بوده و الگوهایی می‌سازند که جهت قیمت را پس از تکمیل پیش‌بینی می‌کنند.

در سال ۱۹۹۱، استیونسون در کتاب محبوب خود «تکنیک‌های نمودار شمعی ژاپنی»، الگوهای شمعدانی را به دنیای غرب آورد. بسیاری از معامله‌گران ده‌ها مورد از این الگوها را شناسایی می‌کنند که نام‌های مختلفی به صورت زیر دارند:

- الگوی نافذ

- الگو پوشش ابر سیاه

- ستاره شامگاهی

- ستاره صبحگاهی

- الگوی پوشا

علاوه بر این، الگوهای تک میله به صورت زیر در ده‌ها استراتژی معاملاتی بلندمدت و کوتاه استفاده می‌شوند.

- مرد به دار آویخته

- چکش

- دوجی

الگوهای پرایس اکشن

در سبک تحلیلی پرایس اکشن، الگوهایی که برای شناسایی نواحی برگشت قیمت مورد استفاده قرار می‌گیرند، همان الگوهای شمعی ژاپنی در نواحی حمایت و مقاومت هستند.

اگرچه ذات اصلی پرایس اکشن با تحلیل تکنیکال یکسان است، ولی در گذر زمان تعدادی از افراد تحلیلگر و معامله‌گر موفق پرایس اکشنی شروع به آموزش استراتژی شخصی خود در زمینه این سبک تحلیلی کردند. امروزه هرکدام از این سبک‌ها به نام این افراد شناخته می‌شوند. از اصلی‌ترین استراتژی‌های شناخته‌شده در زمینه تحلیل و معامله پرایس اکشن، متعلق به این ۴ نفر است: لنس بگز: (Lance Beggs) نام استراتژی پرایس اکشن لنس با نام YTC یا مربی معامله‌گری شما (Your Trading Coach) است.

گالن وودز: (Galen Woods) استراتژی وودز TSR یا بررسی ستاپ‌های معاملاتی (Trading Setups Review) نام دارد. ال بروکز: (Al Brooks) ال بروکز استراتژی خود را در ۴ کتاب با نام‌های معامله با پرایس اکشن (Trading Price Action) ارائه کرد.

سیستم شرکتی به نام RTM یا Read The Market: استراتژی RTM نیز به همین نام RTM شناخته می‌شود.